



<http://www.arianafghanistan.com>



مسئولیت متن، املاء و انشاء این نوشته بدوش مترجم آن میباشد



۲۰۱۷/۱۱/۰۵

مرجان کمال

متجلی شدن یا پدیدار شدن جهاد مسلحانه

نویسنده: مرجان کمال – مترجم: فریده نوری کمال

منتشره مجله "مُوه ئین اوریانت" [Moyen-Orient] دسمبر ۲۰۱۳م

قسمت دوم

تقسیم نمودن سرزمین یا تکه تکه کردن آن

هدف شدت خشونت علیه مردم ملکی سبب پراگندگی ها گردیده، و مرام رژیم بر سر اقتدار ناشی از این بود که اهالی شهر ها و قریه ها را بر علیه هم قرار دهد. در حقیقت، عمل کرد قدرت سیاسی با استفاده از تقسیم کردن و یا چند دسته ساختن مناطق تحت کنترل دولت و خطوط جبهه ضد دولتی بود.

بافت اجتماعی اهالی مناطق قریه جات در اثر تغییرات سریع و زیر فشار و ویرانی سیستم تولیدات زراعتی توسط بمباردمان ها، سبب فرار شان گردید.

در دسامبر ۱۹۷۹، اردوی شوروی خاک افغانستان را اشغال کرد. مقاومت مسلحانه بر علیه اشغال گران، تحت سرپرستی مخالفین یا اسلامیت ها آغاز گردید که از اواسط ۱۹۷۰ در شهر پشاور پاکستان اقامت گزین بودند. در تمام دوره مقاومت در سال های ۸۰ تحت هدایت احزاب اسلامی، یک شبکه قوماندان های محلی که جنگ را سرپرستی می کردند به وجود آمد. این



قوماندان ها با دادن تعلیمات عسکری به اشخاص تحت کنترل شان در مناطق خود شان که بنیاد شان به اساس قومیت در اکثریت نقاط مملکت، و یا به طور قبیله ای که زیادت در مناطق پشتون در جنوب و جنوب شرق آغاز کردند.

این پدیده سهم زیاد در خلق نمودن یک منطق متعلق به ارتباطات قومی یا قبیله و جامعه و احزاب سیاسی داشته و سبب می شود که عین گروپ، تعلقات با چندین حزب سیاسی داشته، و

سبب رساندن امکانات مالی جهت زندگی، اسلحه و مهمات و معلومات برای پیش برد جنگ می گردد که حایز اهمیت زیاد برای پیشبرد مبارزه می باشد.

مناطق که تحت کنترل قوای مرکزی سر اقتدار مخصوصاً مراکز ولایات می باشند، اهالی مجبور به تقسیم به هر دو طرف متخاصم می باشد:

یک طرف مقاومت مسلحانه و طرف دیگر مامورین ملکی یا عسکری که از جانب دولت ایفای وظیفه می نمایند .

جنگ بین گروپ های متخاصم مختلف اجتماع بالای منابع اقتصادی نقش دارد.

اتخاذ شیوه سرکوب نمودن توسط مامورین دولت از یک منطقه به منطقه دیگر متفاوت است، بعضی نقاط زیادتین مورد حملات قرار می گیرد، و بعضی نقاط دیگر کم تر صدمه می بینند، و این سبب می شود که اشخاصی که به طرف دولت جذب شده اند مورد تجاوز شورشیان مخالف قرار بگیرند.

بعد و یا وسعت جناحی که ساختار مقاومت را تشکیل می دهد یک جناح سیاسی نبوده بلکه نتیجه بیجا شدگان رژیم سابقه و یا نتیجه استعمال خشونت های شدید کمونیست ها هستند. برعکس رشته بی که جنگ جویان تحت اداره قوماندان های منطقوی را ارتباط می دهد منشاء از احساس تعلقات قومی گرفته و سبب ساختن یک جنبش می گردد.

تعلقات بین احزاب اسلامی، دولت و مردم، در سالهای ۱۹۸۰ سبب به وجود آمدن گروپ های هویتی منطقوی، تولید شده از اختلافات مسلحانه می باشد.

جامعه شناسی در مبارزه مسلحانه در ساختار پشتون ها

ولایات هم سرحد با پاکستان در جنوب و جنوب شرق افغانستان که اکثریت باشندگان آن ها پشتون ها هستند، نشان دهنده یک بازی ستراتیژیکی مهم در این اختلافات می باشد.

در حقیقت خطوط جبهات، عیناً مانند اطراف کابل، از راه پاکستان تقویه می شوند.

راه های مواصلاتی توسط دولت کنترل می شود و راه های فرعی که از قریه جات، دهات و وادی ها می گذرند به صورت متداوم تحت بمباردمان قرار داشتند. فرار به طرف پاکستان به صورت گروه های عظیم صورت می گرفت. در کمپ های مهاجرین یک نسل جدید که تعداد زیاد شان یتیم های ناشی از جنگ، و در داخل این کمپ ها بزرگ گردیدند و توسط مدارس دینی جذب شدند.

سه حزب اسلامی در این منطقه در بین کمپ های پناهندگان مسکن گزین شدند

حزب حرکت انقلاب اسلامی که ارتباط به شبکه های مدارس در جنوب و مرکز، که شاگردان آن از جمله فقیرترین جامعه دهات و قریه جات در تحت رژیم کمونیست ها بودند.

همچنین حزب اسلامی جلال الدین حقانی (متولد سال ۱۹۵۰) و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار (متولد سال ۱۹۴۷) که زیادتین اعضای شان در بین پناه جویان و همچنان آن هایی که در زمان پروگرام نوسازی بین سال های ۱۹۵۰ - ۱۹۷۰ بیجا شده بودند.

حزب اسلامی جلال الدین حقانی در جنوب شرق سرحد بین افغانستان و پاکستان مسکن گزین و تعداد زیاد از اعضای آن از اهالی بسیار نادار ولایات مهم (خوست - پکتیا - پکتیکا) تشکیل و بسیار فعال هستند.

بنیاد حزب اسلامی گلبدین حکمتیار بر عکس تشکیل شده از طبقه ای که در هنگام نوسازی در بین سال های ۱۹۵۰-۱۹۶۰ یک طبقه پشتون ها از بدست آوردن یک نمره زمین به مساحت کوچک، در شرق و شمال مستفید گردیدند که در یک محیط چندین قومیتی مستقر شدند، و این مسکن گزینان نو یک قشر متوسط جامعه بوده و در سال های ۱۹۸۰ همه به حزب اسلامی گلبدین حکمتیار پیوستند.

از نقطه نظر جامعه شناسی، مطالعه اجتماعی این مبارزین و مبارزه مسلحانه در مناطق جنوب و جنوب شرق، نشان دهنده جلب و جذب طبقاتی است که از فقر اجتماعی اقتصادی به سوی حرکت انقلاب اسلامی و حزب اسلامی جلال الدین حقانی پیوستند که از نظر پروفیل اجتماعی شباهت زیاد دارند.

تأسیس جنبش طالبان که در سال ۱۹۹۴ توسط قوماندان های حرکت انقلاب اسلامی به وجود آمد و کابل در سال ۱۹۹۶ توسط آنها اشغال شد، و به تعقیب آن طالبان تهداب امارت اسلامی افغانستان را گذاشتند، و با متعلق شدن حزب اسلامی جلال الدین حقانی سبب غیر متجانس شدن آنها از نقطه نظر اجتماعی نگردید.

مکانیزم سیاسی اجتماعی اقدام به عمل

در سال ۲۰۰۳، دو سال بعد از سقوط رژیم طالبان و برقرار شدن اولین رژیم جمهوری اسلامی افغانستان و قرار گرفتن حامد کرزی در رأس، تقاضا و دعوت به جهاد از طرف ملا محمد عمر علیه مداخله سیاسی و نظامی قوت های ناتو، سبب تحریک قوماندان های محلی احزاب اسلامی جلال الدین حقانی و گلبدین حکمتیار گردید.

جهت گسترش انتشار و توسعه نیرو های زمینی شورشیان، محرومیت اقتصادی - اجتماعی رول مهم را بازی، و سبب فعالیت های گروهی، و شدت و وخامت خشونت گردید.

در حقیقت به راه انداختن پروسه احیای مجدد دولت به حمایت جامعه بین المللی، سبب شعله ور شدن خصومت بین قوماندان های محلی، و باعث شدت خشونت مسلحانه شورشیان گردید. احیای مجدد دولت بیانگر فعال شدن دوباره سران احزاب جهادی علیه شوروی ها که در داخل سیستم در پوست های مهم دولت به حیث والی ها و قوماندان های پولیس ایفای وظیفه و از قدرت اقتصادی و نظامی فوق العاده بر خوردار هستند، بر علاوه از توسعه اقتصادی سریع شهر خود نیز مستفید می گردند.

از انکشاف در سکتور های ساختمانی، ساختمان های دولتی و بانک ها، از یک طرف و از طرف دیگر از درآمد های اقتصادی غیر قانونی که توسط زرع و تولید کوکنار به دست می آورند مستفید می گردند.

انتصاب خویشاوندان و دوستان جهت بلند بردن قدرت شان به صورت غیر قانونی برای این سیاستمداران اجازه حفاظت و حمایت از بدست آورد های سیاسی و اقتصادی شان را می دهد. به این نتیجه می رسیم که از حضور مالی و نظامی جامعه بین المللی، اعضای رژیم نو استفاده کرده برای افزایش یافتن و مستقر ساختن پایه های قدرت شان تلاش می کنند.

اتحاد و توافق منطقوی بین قوماندان ها و قوت های ناتو، به قوماندان اجازه می دهد که از عملیات هوایی و پاک کاری زمینی توسط نیرو های زمینی، که در چوکات «جنگ علیه تروریسم» استفاده کرده، و باعث کدورت و رنجش و نارضایتی مردم گردیده، که از این نارضایتی، شورشیان به نفع خود استفاده کرده و سبب پیوستن مردم به شورشیان می گردد.

ضعف و ناتوانی دولت و اشتباهات ستراتیژی قوای مسلح بین المللی سبب پرورش دادن هویت سیاسی یک نسل نو جهادی ها گردید.

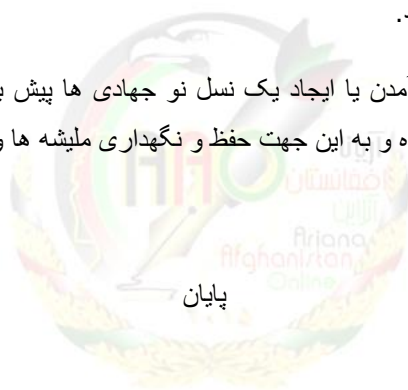
در درجه اول مشاهدات، ظهور شان، زیادتیر اتکا می کند به استفاده از ارتباطات محلی - قومی و قبیله یی.

اما تحلیل مکانیزم تشریح فعالیت مبارزین مسلح نشان دهنده اهمیت پروسه مستقر شدن شان از نیمه دوم قرن بیستم می باشد، که این طبقه آخر از محرومیت های اقتصادی و اجتماعی شکل می گیرد.

بالاخره مغلق بودن تاریخچه سیاسی افغانستان، ترکیب اجتماعی مبارزین و تبدیل شدن آنها به آشوبگران نشان دهنده اتحاد شان می باشد.

خروج اردوی ناتو که در اواخر سال ۲۰۱۴ پیش بینی شده، مطابقت به یک تغییرات نو می کند و این به احتمال زیاد سبب ساختار دوباره قدرت های محلی می گردد.

برعکس از نقطه نظر منطقی به وجود آمدن یا ایجاد یک نسل نو جهادی ها پیش بینی می شود، که در آن محرومیت های اقتصادی اجتماعی رول بزرگ بازی کرده و به این جهت حفظ و نگهداری ملیشه ها و یا شورشیان مسلح ادامه خواهد یافت.



پایان